

یادداشت

قالیباغ: تکرار **احمد قوام** با رویکردی **انقلابی**

ضرورت نگاه منصفانه در حمایت و نقد



کامبیزمهدی‌زاده

با همه کلاه‌ها و انتقادهایی که در سال‌های گذشته به عملکرد محمدباقر قالیباغ وارد بوده، امروز پرسشی جدی مطرح می‌شود: چرا باید از او حمایت کرد؟ پاسخ روشن است، هر فردی که در مسیر منافع ملی کام بردارد، نباید تنها گذاشته شود. حمایت، به معنای نادیده‌گرفتن نقدها نیست، بلکه به معنای تشخیص اولویت‌ها در بزنگاه‌های حساس است. قالیباغ را می‌توان شخصیتی توسعه‌گرا دانست که در شرایط پیچیده کنونی، رویکردی عمل‌گرایانه را دنبال می‌کند. امروز نیز مانند گذشته که چهره‌هایی مانند حسن روحانی و محمدجواد ظریف در معرض اتهام و فشار قرار گرفتند، قالیباغ نیز در معرض قضاوت‌ها و حملات مشابهی است. این روند نشان می‌دهد که در سیاست، «اسباب به نوبت» است؛ اما آنچه اهمیت دارد، حفظ انسجام ملی و حمایت از رویکردهایی است که می‌توانند کشور را از بحران‌ها عبور دهند.

دیپلماسی عزت‌مند برای عبور از بحران

در فضای سیاسی امروز ایران، گاهی برخی تلاش می‌کنند با قیاس‌های تاریخی نادرست، چهره‌های سیاسی را تخریب یا تحریف کنند. یکی از این موارد، مقایسه محمدباقر قالیباغ با چهره‌هایی مانند میرزا آقاخان نوری است؛ مقایسه‌ای که نه‌تنها دقیق نیست، بلکه جفا در حق قالیباغ و نادیده‌گرفتن واقعیت‌های تاریخی و شرایط امروز کشور است. در مقابل، اگر بخواهیم الگویی تاریخی برای فهم بهتر رویکرد قالیباغ در نظر بگیریم، شباهت او به احمد قوام بسیار تأمل‌برانگیزتر است.

دیپلماسی در خدمت قدرت، نه از سر سرفتن

با وجود همه انتقاده‌ها به احمد قوام، او در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، با واقعیتی پیچیده روبه‌رو بود: حضور نیروهای شوروی در خاک ایران و خطر تجزیه کشور. او به جای انتخاب مسیر تقابل نظامی که می‌توانست ایران را وارد جنگی ویرانگر کند، مسیر مذاکره را برگزید. اما این مذاکره از موضع ضعف نبود، بلکه با هوشمندی و درک توازن قوا توانست امتیاز بگیرد و در نهایت، خروج نیروهای خارجی را رقم بزند. این همان نقطه‌ای است که می‌توان شباهت‌هایی میان قوام و قالیباغ دید. قالیباغ نیز در سخنان و مواضع خود، بارها بر این نکته تأکید کرده که مذاکره، اگر در چارچوب عزت، حکمت و صلحت باشد، نه‌تنها تهدید نیست، بلکه ابزار قدرت است.

مذاکره: ابزار حفظ منافع ملی

در دنیای امروز، هیچ کشوری بدون تعامل با نظام بین‌الملل نمی‌تواند منافع خود را تأمین کند. بحث مذاکره با ایالات متحده که همواره یکی از موضوعات حساس سیاست خارجی ایران بوده، از همین منظر قابل بررسی است. نگاه قالیباغ را می‌توان نه به‌عنوان «امتیازدهی»، بلکه به‌عنوان مدیریت هوشمندانه تلاش فهم کرد. همان‌طور که قوام توانست در مواجهه با ژوزف استالین، بدون درگیری نظامی، منافع ایران را حفظ کند، امروز نیز می‌توان با رویکردی مشابه، یعنی ترکیب اقتدار داخلی و انعطاف دیپلماتیک، از بحران‌ها عبور کرد.

تفاوت با روایت‌های تحریف‌شده

مقایسه قالیباغ با میرزا آقاخان نوری بیشتر بر پایه یک نگاه سطحی به «مذاکره» شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که در تاریخ، تفاوت بزرگی میان مذاکره از سر وایتسگی و مذاکره از موضع اقتدار وجود دارد. اگر نوری در برخی روایت‌ها نماد امتیازدهی تلقی می‌شود، قوام دقیقا نماد استفاده از مذاکره برای خنثی‌سازی تهدید بوده و این همان الگویی است که به قالیباغ نسبت داده می‌شود.

ترکیب میدان و مدیریت

یکی از ویژگی‌های مهم قالیباغ، سابقه او در هر دو حوزه «میدان» و «مدیریت» است و در کنار این دو، باروزی قدرتمند خیابان. این ترکیب باعث می‌شود نگاه او به مذاکره، نگاهی واقع‌گرایانه باشد؛ نه صرفاً آرمان‌گرایانه و نه صرفاً محافظه‌کارانه. در چنین چارچوبی، مذاکره با آمریکا با هر قدرت دیگری نه هدف، بلکه ابزاری برای تأمین منافع ملی و کاهش فشارها بر کشور تلقی می‌شود. تاریخ ایران نشان داده که در بزنگاه‌های حساس، چهره‌هایی موفق بوده‌اند که توانسته‌اند میان «اقتدار» و «عقلانیت» توازن برقرار کنند. احمد قوام یکی از این نمونه‌هاست. امروز نیز می‌توان در رویکرد محمدباقر قالیباغ نشانه‌هایی از همین الگو را با رویکردی انقلابی دید: دیپلماسی عزت‌مند، مذاکره هوشمندانه و تلاش برای نجات کشور از تنش‌های پرتیزنه، بدون عقب‌نشینی از اصول.

نگارنی

نگرانی از شیوع احتمالی آلودگی و نشت مواد شیمیایی باعث شد ساعتی بعد از حمله به پتروشیمی‌های ماهشهر، محمدرضا والی‌زاده، استاندار خوزستان، اعلام کند دودی که هم‌اینک در حال تصاعد است، به دلیل جلوگیری از تراکم آن و بروز آسیب به تأسیسات است و حاوی موارد سمی و خطرناک برای شهروندان منطقه نیست. محمدجواد اشرفی، مدیرکل محیط زیست استان خوزستان هم تأکیدی مشابه داشت و روز ۱۶ فروردین گفت پتروشیمی کارون به دلیل تعطیلی در زمان بمباران، منجر به آلودگی محیط زیست نشد و از پتروشیمی بندر امام هم فقط مختصر کاری در لوله‌ها منتشر شد. مشابه این روایت را عضو هیئت‌مدیره یکی از پتروشیمی‌های منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر هم دارد. او می‌گوید از نظر محیط‌زستی، کارخانه‌ها هدف نبوده‌ند که آلودگی وارد هوا شود، در واقع سایت‌های تأمین انرژی و آب شدند گازهایی را که داشتند و در حال تولید مواد شیمیایی بودند، «فلر» کنند که در شبکه باقی نمانند. سیستم فلر که آن را نام «فلر کاری» هم می‌شناسند، دستگاه احتراقی است که در واحدهای صنعتی مثل پالایشگاه‌های نفت و گاز جاه‌های نفتی و گاز، وبه‌ویژه در سکوهای دریایی استفاده می‌شود. در تأسیسات صنعتی، سیستم فلر به‌طور عمده برای سوختن گازهای آزادشده از «شیر اطمینان» استفاده می‌شود و البته در زمان‌های شروع به کار یا اتمام کار تأسیسات، از سیستم فلر در مدت‌زمان کوتاهی استفاده می‌کنند.

بعد از آن حمله غیرمنتظره، دستور تخلیه منطقه ویژه صادر شد و فقط تعدادی از نیروهای شیفت و امدادگران در منطقه باقی ماندند. تا روز یکشنبه جست‌وجو برای پیداکردن مفقودان احتمالی ادامه داشت.

بعد از تعطیلی شرکت‌های پتروشیمی، فقط نیروهای شیفت، اج‌اس‌ای (ایمنی کار) و حراست در منطقه حضور دارند و باقی نیروهای ستادی به صورت دورکار به کارشان ادامه می‌دهند. نگرانی بزرگ‌اما از دست رفتن شغل کارگران و کارمندان منطقه است؛ اما آقای «ت» می‌گوید هنوز بحث تعدیل نیروها مطرح نیست: «اما تا زمانی که فجر انرژی به سرویس برنگردد، هیچ شرکتی در منطقه نمی‌تواند فعالیتی داشته باشد و در شرایط فعلی هم روشن نیست چه زمانی به کار برمی‌گردد». در میان شرکت‌های پتروشیمی منطقه، بیشترین جمعیت متعلق به پتروشیمی بندر امام، مارون، رازی، فجر انرژی و امیرکبیر است. یکی از کارگران پتروشیمی بندر امام می‌گوید این شرکت سه نوع نیرو دارد، پیمانی، قراردادی و روزمزد و حالا روزمزدها بیش از بقیه آسیب دیده‌اند. به بقیه نیروها هم هنوز حقوق کامل را ن داده و فقط مساعده داده‌اند؛ اینها همه در حالی است که قرارداد تعداد زیادی از کارکنان این شرکت تا خردادماه است و باید دید چه می‌شود». درویشی، رئیس خانه کارگر استان خوزستان هم به «شرق» می‌گوید از ابتدای شروع جنگ تا روزهای ۱۱، ۱۲ فروردین بدون حساب کارگرانی که در صنایع پتروشیمی ماهشهر کار می‌کنند، در تمام این استان نزدیک به ۱۱هزارو ۶۹۹ نفر شغل خود را از دست داده بودند. علاوه بر این، ۲۷ محل اشتغال در حوزه صنعتی، کشاورزی، صنایع کوچک، فولاد و کشتی‌سازی لطمه دیده و آمار شش شهید و ۷۰ مجروح در حوزه کارگری ثبت شده است. به گفته او، این آمار بدون احتساب کارگران ساختمانی است؛ چون امکان برآورد آمار آنها برای خانه کارگر فراهم نیست، اما آنها هم در جنگ قاعدتا شغل خود را از دست می‌دهند. درویشی توضیح می‌دهد در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر انجمن‌های صنفی کارگری وجود ندارد و به همین دلیل تغییرات قراردادهای نیروی کار و آمار از دست رفتن مشاغل در این منطقه از عهده این نهاد خارج است. درویشی پیش از این هم به «ایلنا» گفته بود حدود صد هزار کارگر بر اثر جنگ بیکار شده‌اند.

در اهواز چه گذشت؟

هفتم فروردین، وقتی جنگنده‌ها با موشک‌های پیاپی دو قسمت مهم کارخانه فولاد خوزستان را بمباران کردند، عمگین‌ترین روز زندگی امیر بود؛ درست به اندازه روزی که پدرش فوت کرد. امیر، مرد ۴۳ساله‌ای که ۲۰ سال عمرش را در شرکت فولاد خوزستان گذرانده، هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کرد روزی برسد که برای یافتن احوالی از همکاران قدیمی‌اش، آن‌طور مثل اسپند روی آتش، بالا و پایین ببرد. آن روز امیر برای انجام کاری رفته بود خارج از اهواز و روز به بعدازظهر که رسید، عجیب‌ترین لحظه‌های عمرش هم از راه رسیدند و تا بفهمد چه بلایی سر دوستانش آمده است، زمین زیر پایش سست و لرزان بود. ساعت چهار بود که از یکی از دوستانش شنید «فولاد» را زده‌اند. خنده‌اش گرفت و به او گفت این بار چندم است که از اول جنگ می‌گویید فولاد را زده ولی خبری نبوده: «هر صدایی که می‌آمد این را می‌گفتند؛ چون زمان جنگ ایران و عراق، فولاد خوزستان را چند بار زده بودند و انگار این در حافظه جمعی ما هستت که خطری آنجا را تهدید می‌کند». هفتم فروردین اما واقعا فولاد خوزستان را زده بودند؛ کارخانه‌ای قدیمی با حدود ۱۷ هزار نفر که به‌طور مستقیم از آن به خانه‌هایشان نان می‌برند.

امیر آن روز از ساعت چهار تا هفت عصر بی‌وقفه با همکارانش که به تعداد زیاد به پشت در کارخانه رفته بودند تا همکارانشان را نجات دهند، تلفنی حرف زد تا اینکه مطمئن شد کسی کشته نشده و از دو قسمت فولادسازی و احیا که موشک خورده بود، ۱۷ زخمی بیرون آورده‌اند. آن روز ۳۰۰ نفر پرسنل شیفت در کارخانه بودند و به روزکارها و نوبت‌کارها گفته بودند به کارخانه نیایند؛ همین هم تعداد قربانیان را کم کرد.

امیر و همه همکارانش از هفتم فروردین تا به حال سر کار نرفته‌اند، کارخانه به‌طور

آقا

ادامه‌از صفحه ۵



کامل تعطیل است و به هر چهار مدل نیروی کار استخدایم، قراردادی، پیمانکاران پروژه‌ای و پیمانکاران مستمر گفته شده فعلا و تا زمانی که واحدهای آسیب‌دیده تعمیر و بازسازی شوند، به آنها حقوق پایه پرداخت خواهد شد؛ بازسازی‌ای که امیر و همکارانش معتقدند بین شش ماه تا یک سال زمان نیاز دارد؛ «تکلیف جنگ به هر ترتیبی که معلوم شود، بالاخره می‌سازیمش؛ با سه ماه یا شش ماه یا یک سال».

امیر فکر می‌کند این خرابی‌ها چند مدل تأثیر خواهد داشت که از نظرش، آسیب به صنعت، آخرین آنهاست. او روزهای پرجنب‌وجوش اول ماه را در بازار اهواز به یاد می‌آورد که مغازه‌ها و گذرها شلوغ می‌شدند، چون به کارگران فولاد حقوق داده بودند؛ خانواده‌های ۱۷ هزار نفر که زندگی‌شان با «فولاد» حالا اما اگر قرار باشد به کارگران حقوق پایه را پرداخت کنند، دیگر خبری از آن جنب‌وجوش در شهر نخواهد بود. در کارخانه فولاد خوزستان، کارگرانی هستند با سه تا شش فرزند و هزینه زندگی پدر و مادر تعداد زیادی هم بر عهده آنهاست. از طرف دیگر، تعداد زیادی از کارگران شغل دوم ندارند و همین، آنها را از همیشه نگران‌تر کرده؛ نگرانی‌ای که این روزها در دورهمی‌های روزانه امیر و همکارانش به زبان می‌آید: «تأثیر ترسیدن از خرج‌کردن پول، خودش را بعدا نشان می‌دهد، همین‌طور اضطراب جنگی و سر کار رفتن و مشکلاتی که با خانواده‌ها پیدا می‌کنیم. ما عادت کرده‌ایم شش صبح از خانه بزیم بیرون، هفت عصر باییم، ما با این آدم‌ها صبح‌ها را با هم شب کرده‌ایم، روزهای عجیب و غریب داشته‌ایم، رفاقت کردیم، دعوا کردیم، قهر کردیم، آشتی کردیم. ما خانواده هم هستیم. الان همه آن فضا رفته هوا و در خلایی هستیم که واقعا سخت است».

صنعت فولاد خوزستان و فولاد مبارکه اصفهان که هر دو هدف موشک‌باران قرار گرفتند، صنایع میانی‌اند؛ آنها سنگ آهن را به علاوه یک سسری مواد اولیه دیگر تهیه و به شمش فولاد تبدیل می‌کنند و بعد این شمش‌ها به مقاطع فلزی و ورق فلزی تبدیل می‌شوند. حالا کارشاسان و کارکنان صنعت فولاد می‌گویند وقتی فولاد خوزستان تولیدی نداشته باشد، اولین جایی که آسیب می‌بیند، تأمین‌کننده‌ها و سازنده‌های قطعات بدکی‌اند که حجم عظیمی قطعات مصرف می‌کنند.

تأثیر بعدی در صنعت حمل‌ونقل است. کارگران فولاد خوز ستان می‌گویند وقتی شرکت سنگ آهن و الکتروتود و پرومنگنز و… را می‌خرد، حجم زیادی از تریلی‌ها جلوی کارخانه صف می‌بندند و بعد از تولید، تعداد زیادی از آنها شمش‌های فولاد را از اهواز به سمت اندیشک می‌برند؛ حالا سه هفته است که از این صفا‌ها هیچ خبری نیست و راننده‌های کامیون‌ها و تریلی‌ها بیکار مانده‌اند.

بخش سوم آسیب مربوط به مصرف‌کنندگان محصولات فولاد خوزستان است؛ شرکت‌هایی که برای خرید مقاطع فلزی دچار مشکل شده‌اند و مهم‌ترین نتیجه این کمبود، در قسمت ساخت‌وسازهاست؛ این روزها هرجا مقاطع فلزی مثل میلگرد استفاده می‌کنند حالا دچار مشکل در تأمین و گرانی زیاد شده‌اند.

در عسلویه چه گذشت؟

فقط دو روز بعد از حمله به پتروشیمی‌های ماهشهر، تأسیسات عسلویه هم دوباره هدف قرار گرفت؛ شرکت‌هایی که فعالیتی مشابه فجر انرژی در ماهشهر داشتند. حوالی ظهر دوشنبه ۱۷ فرودین در میانه یک روز کاری، شرکت مبین انرژی خلیج فارس ودموند که برق، آب و کمپرسین پتروشیمی‌های عسلویه را تأمین می‌کردند، در این حملات آسیب دیدند. حمله اول به تأسیسات پالایشگاه‌های کاری عسلویه روز ۲۸ اسفند اتفاق افتاد و به دلیل نبود نیروها در سایت صنعتی، کسی جانش را از دست نداد. بعد از این حمله و از چند روز پیش که خبرهایی از مهلت ۴۸ساعته به ایران برای مذاکره و احتمال حمله به نیروگاه‌ها و پل‌ها مطرح شد، گروهی از مردم عسلویه خانه‌هایشان را ترک کردند تا از تأسیسات فاصله بگیرند. اهالی شهر می‌گویند غیر از آلودگی هوا، هنوز دیگر آلودگی‌ای –حداقل با چشم غیرمسلح– دیده نمی‌شود و همان دود ناشی از حمله هم ۲۴ ساعت

شیفتی که تمام نشد

بعد برطرف شد. تا پیش از حملات موشکی به این تأسیسات، هشداری برای تخلیه داده نشده بود و نگرانی مردم بعد از حمله اول به تأسیسات عسلویه تشدید شد؛ آنها تصور کردند ممکن است تأسیساتی که در خروجی شهر قرار دارد هم مورد هدف قرار گیرد؛ این یعنی احتمالا راه خروج آنها از شهر بسته می‌شود. همین نگرانی موجب شده بسیاری از خانواده‌ها هنوز به خانه‌هایشان برنگردند.

بعد از حمله ۲۸ اسفند، نیروهای غیرعملیاتی تأسیسات نفتی و کاری عسلویه دورکار شدند؛ حسین یکی از آنهاست که در یکی از پتروشیمی‌های این منطقه کار می‌کند. او همان پنجشنبه‌ای که تأسیسات هدف قرار گرفت، در ساختمان محل کارش بود و با صدای اولین انفجار، تصور کرد شرکت خودشان بمباران شده است، اما بعد متوجه شد که هدف، یکی از پالایشگاه‌هایی است که تنها یک خیابان با آنها فاصله دارد. حسین وقتی به خیابان رفت، نیروهای پالایشگاه‌های چهار و پنج را دید که از دور اشاره می‌کردند که برگردد؛ «صدای انفجار هنوز در گوشم است، لرزش ساختمان را هنوز احساس می‌کنم». پتروشیمی‌های عسلویه به تناسب وسعت و تعداد واحدهای‌شان حدودا هرکدام به صورت میانگین هزار و ۵۰۰ نیرو دارند. این تخمین حسین از تعداد نیروهای شاغل در تأسیسات عسلویه است که حدود ۱۲ پالایشگاه کاری و دو سایت پتروشیمی فعال دارد. او بعد از ۲۸ اسفند دورکار ماند و قرار بود صبح ۱۶ فروردین به محل کارش برگردد اما حمله به پتروشیمی‌های ماهشهر باعث شد دوباره دورکاری شرکت‌های عسلویه تمدید شود.

در آبادان و خرمشهر چه گذشت؟

مردم آبادان، خرمشهر، اهواز، رامهرمز و ماهشهر از همان روزهای اول جنگ تا روز آتش‌بس، کوپی یک بار دیگر برگشته بودند به ۳۱ شهریور ۱۳۵۹؛ به روزی که عراقی‌ها به ایران حمله کردند و داستان هشت‌ساله جنگ، از جنوب غرب ایران آغاز شد؛ از خوزستان، عروس استان‌های ایران. این بار، قرعه برای جنگ‌زده‌های آن سال، به اسفند ۱۴۰۴ افتاد و تا بیاید آتش‌بس دوهفته‌ای از راه برسد، شهرهای خوزستان بارها لرزیند، مردمش با چشم‌هایی گریان و بغضی کهنه از آن سال تا این سال، در خانه‌ها خودشان را پناه دادند و کارگران زیادی را در کارخانه‌ها آسیب دیدند یا در خانه‌هایشان ماندند، بیکار و هراس‌الود.

ساکنان شهرهای خوزستان می‌گویند شدت حمله‌های آمریکا و اسرائیل به کارخانه‌ها و بعضی زیرساخت‌های این شهرها، آن‌چنان که واقعا بود، مخابه نشد و از آن روزها به تاریکی و سیاهی یاد می‌کنند. یونه پیل‌رام، فعال اجتماعی که ساکن خرمشهر است، می‌گوید تعداد زیادی از مردم نتوانستند از شهر خارج شوند، چون توان مالی‌اش را نداشتند که در اقامتگاه‌های شهرهای دیگر ساکن شوند و همین، شهر را شلوغ باقی گذاشت؛ مثل بیشتر شهرهای خوزستان.

حمله‌ها در روزهای ۱۳ و ۱۸ فروردین، سنگین‌تر بودند؛ ظهر پنجشنبه سیزدهم فروردین، به جزیره مینو، سرحدات مرزی خرمشهر و منطقه «نهر غمیج» و عصر هجدهم، به کشتی‌سازی اروندان در حصار شرقی خرمشهر و البته باز هم به پاسگاه‌های هنگ مرزی سادات جزیره مینو و پاسگاه مرزی جنوبی جزیره مینو حمله شد.

آبادان هم وضعیت مشابهی داشت؛ مردم این شهر هم در بیشتر روزها، روی زخم‌هایی از سال‌های جنگ هشت‌ساله تا به حال، نمکی احساس کردند که این بار موشک‌های آمریکایی و اسرائیلی با خود آورده بودند. مهم‌ترین حمله روز دهم فروردین به پتروشیمی آبادان بود؛ در ادامه همه روزهای قبل و درحالی‌که دستور تخلیه از قبل صادر شده بود، ماندانا صادقی، روزنامه‌نگار اهل آبادان که همسرش هم بازنشسته پتروشیمی آبادان است، از آن روز و روزهای قبلس روایت‌ها دارد؛ او می‌گوید حداقل سه حمله به پتروشیمی آبادان کشته و مصدوم نداشت؛ چون از قبل آنجا را تخلیه کرده بودند. «ما سه خیابان فاصله داریم با پتروشیمی. همه این مدت برابم عجیب بود که از خوزستان خبرهای خیلی کمی منتشر می‌شد. آبادان تقریبا هر روز بمباران شد. خیلی روزها یک ساعت پشت سر هم، بی‌وقفه بمباران می‌کردند. فقط هم پتروشیمی نبود، به اماکن نظامی هم حمله می‌شد. جنگنده‌ها با فاصله خیلی کم از زمین حرکت می‌کردند. مرز شلمچه را هم حدود ۳۰ نوبت زدند و صداها را می‌شنیدیم. این مرز فعالیت اقتصادی دارد؛ با پایانه‌های مرزی، غرفه‌های کوچک برای تجارت و باسکول و ماشین‌الات مثل همه مرزهای زمینی که کار اقتصادی در آنها انجام می‌شود». هدف حمله‌ها به پتروشیمی آبادان هم ایستگاه برق و پادفند بود، نه بخش‌های مخازن و تولید و پالایش و به همین دلیل هم بود که خلاف شایعه‌ها، هوای شهر مسموم نشد و اهالی آبادان هم نشنیده‌اند که پتروشیمی کلا تعطیل شده باشد.

مردم آبادان، خرمشهر، اهواز، رامهرمز و ماهشهر از همان روزهای اول جنگ تا روز آتش‌بس، کوپیی یک بار دیگر برگشته بودند به ۳۱ شهریور ۱۳۵۹؛ به روزی که عراقی‌ها به ایران حمله کردند و داستان هشت‌ساله جنگ، از جنوب غرب خوزستان، عروس استان‌های ایران. این بار، قرعه برای جنگ‌زده‌های آن سال، به اسفند ۱۴۰۴ افتاد

سودوکو سخت ۴۲۹۳					
۲	۳	۴	۹	۱	
۱	۸	۵			

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۲۹۳					
۴	۹	۳	۴	۶	
۴		۱			

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ساده ۴۲۹۳					
۸	۹	۳	۴	۶	
۴		۱			

سودوکو					
۹		۷	۴		
۶					
۸					
۳		۶			
۱					
۳					
۶		۳	۱	۸	۲

حل سودوکو ۴۲۹۲

۸	۳	۲	۲	۱	۵	۶	۷		
۷	۶	۵	۸	۳	۲	۹	۲	۱	
۱	۹	۶	۷	۵	۸	۳	۴		
۲	۵	۷	۳	۹	۶	۳	۱	۸	
۳	۳	۸	۵	۲	۱	۶	۷	۹	
۶	۱	۴	۸	۷	۶	۵	۳		
۲	۲	۱	۷	۶	۸	۳	۱	۵	
۵	۷	۳	۹	۲	۲	۱	۸	۶	
۹	۸	۶	۱	۵	۳	۲	۴	۶	

۸	۶	۳	۳	۱	۲	۹	۷		
۱	۳	۲	۹	۷	۶	۵	۸	۴	
۵	۷	۹	۸	۷	۴	۶	۱	۳	
۳	۹	۶	۲	۸	۷	۵	۱		
۲	۸	۱	۵	۳	۷	۶	۹		
۴	۵	۷	۱	۶	۹	۳	۲	۸	
۷	۳	۸	۶	۹	۲	۱	۳	۵	
۹	۱	۳	۸	۵	۹	۷	۲	۴	۶

حل جدول ۵۲۹۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۲	۱	۵	۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

افقی:

۱- دریاچه دائمی فارس- رمانی ماجراجویانه
به قلم جک لندن
۲- ضمیر سوم شخص- صاحب ذوق و عواطف- عامل ایجاد بیماری
۳- نوعی آش خشک شده انگور- مادر بزرگ- تعجب زاننه
۱۲- پروانه موتورسواری- فلانی
۴- هال- تاج برندگان- حرف ندا
۵- ظرف غذای سربازان در یادگان- دندان چنین اسبی را نمی‌شمارند- کم‌وزن
۶- زندان مسعود سعد سلمان- لقب حضرت ابراهیم(ع)- بیشترین
۷- درهم‌پیچیدن- از دین برگشتن- سازیزی
۸- نیم‌گرم- پندگرفته از عمل نادرست خود- از ماهیان خلیج فارس
۹- کشف رازی- نوعی بیماری که بر میزان قند خون تأثیر می‌گذارد- قومی ایرانی
۱۰- آسایش و آرامش- نسبت جرم به حجم جسم- دورگردن
۱۱- بی‌حال- بدترین نوع جرم- پدر طب یونانی
۱۲- تیر پیکاندار- چکاندن در تفنگ- تشخیص دادن
۱۳- واحد شمارش مجله- ریاضیدان فرانسوی قرن هفدهم- خط ابداعی سومری‌ها
۱۴- اشکر ریختن- تیزهوشی- نشانه مفعولی
۱۵- به ناز راه رفتن- کیسه نایلونی دسته‌دار

عمودی: